

قانون انتخابات و خبط مجلس سنا

مجلس سنای افغانستان خبط مجلس نمایندگان را در مورد قانون انتخابات تکرار کرد. مجلس سنا قانون انتخابات را که بر مبنای نظام اکثریتی از سوی مجلس نمایندگان تصویب شده بود، مورد تأیید قرارداد. در نظام اکثریتی، انتخابات براساس رأی واحد و غیر قابل انتقال عملی می شود. در این نظام، احزاب سیاسی نقشی در انتخابات ندارند. در حالی که انتخابات پارلمانی یگانه میدان رقابت احزاب سیاسی در عرصه ی مبارزات سیاسی است، اما قانون انتخابات این میدان را بروی احزاب سیاسی می بندد.

تصویب قانون انتخابات بر مبنای نظام اکثریتی با محرومیت احزاب سیاسی توسط مجلس نمایندگان یک حرکت غیر دموکراتیک بود. وقتی این قانون برای بررسی به مجلس سنا رفت این امید واری وجود داشت که این اتاق پارلمان افغانستان بر آن اقدام نابجای مجلس نمایندگان صحنه نگذارد و با دید معطوف بر نیاز توسعه سیاسی، دموکراسی و عدالت اجتماعی قانون انتخابات را کم از کم بر مبنای نظام مختلط مورد تصویب قرار دهد.

محرومیت احزاب سیاسی از ایفای نقشی در انتخابات پارلمانی و پارلمان منتخب یک عمل عمدی و برنامه ریزی شده در تخریب توسعه سیاسی جامعه افغانستان و تضعیف احزاب است. هر چند طرفداران و حامیان نظام اکثریتی در انتخابات پارلمانی چه رهبری دولت و حامیان این نظام در پارلمان عدم وجود احزاب نیرومند و متنفذ سیاسی را در جامعه و کشور به حمایت از این نظام ارتباط میدهند، اما در واقع آنها بصورت آگاهانه و عمدی از تقویت احزاب سیاسی جلوگیری می کنند.

پیامد ضعف احزاب و عدم نقش آنها در کشور و در پارلمان به عنوان نهاد قانون ساز و نظارت کننده بر اجراءات حکومت، تنها تقویت نظام مافیایی قدرت در افغانستان است. در حالی که دولت افغانستان و به خصوص رئیس جمهور کرزی در رهبری این دولت خود را به دموکراسی و تقویت آن متعهد میداند و آزادی رسانه ها را از مهم ترین افتخارات دموکراسی تلقی می کند، اما دموکراسی بدون نقش و حضور احزاب سیاسی معنی و مفهومی ندارد. کسانی که از دموکراسی در جامعه و کشور سخن می گویند و نظام حاکم سیاسی را استوار بر دموکراسی قلمداد می کنند، هیچگاه به تقویت احزاب سیاسی به عنوان مهم ترین و اصلی ترین ارزش و نشان دموکراسی چشم نمی بندند.

نظام سیاسی در کشور در نبود نقش و حضور قدرتمند احزاب سیاسی نه نظام مبتنی بر دموکراسی، بلکه مبتنی بر اراده ی فردی و یا یک گروه ریاکار حاکم است که در صدد حفظ و ادامه ی قدرت بگونه ی مافیایی می باشند. عدم تقویت احزاب سیاسی و محرومیت آنها از عرصه مبارزات سیاسی در قدرت، سیاست را در

افغانستان قومی و قبیله یی نگه‌میدارد و دست ما فیای قدرت را در تمام نهاد های دولتی برای سلطه و غارت می گشاید. در حالی که تقویت احزاب سیاسی از الزامات توسعه سیاسی و رشد دموکراسی است و جامعه را از جامعه قومی و قبیله ای بسوی جامعه شهروندی متحول می سازد. و تنها در شکل گیری جامعه شهروندی است که تفرقه و تعارضات قومی، مذهبی، زبانی و غیره جای خود را به وحدت ملی و عدالت اجتماعی میدهد. این تنها مافیای قدرت است که در افغانستان چه در درون نهاد پارلمان و چه در نهاد اجرایی دولت از مافیایی نگهداشتن قدرت سود میبرد و از تداوم تفرقه و تعارضات قومی، زبانی و اجتماعی سوء استفاده می کند.

نکته ی بسیار اسف انگیز و درد ناک عملکرد پارلمان افغانستان است که چگونه به عنوان نهادی که خود با نظام دموکراسی از راه انتخابات شکل یافت قبل از همه بر ریشه ی دموکراسی تیشه میزند؟ چرا هر دو اتاق پارلمان افغانستان این خبط تاریخی را مرتکب شدند و قانونی را در انتخابات تصویب کردند که با روح دموکراسی ناسازگار و ناهمسو است؟